



از قلم فضل الريميم ريميم

سر و آخر ندارد !

همین که پایم به لفتک دروازهء دفتر تماس کرد مدیر مامثل سمارق ، نی بیفشید بازهم سمارق ، مانند پاتک های عالیقدر مق بگیر و راه بده ، در مقابل سبز شد بدون مقدمه برایم امر نمود تا به میدان مطبوعاتی بروم که در آنجا یک عده از عالی جنابان می فوهند صد دل را یک کرده و از شیر هم دلی را قرض کرده آغاز مجادله ، مبارزه ، زدن و کندن و مشت یفن شدن و پنجه نرم کردن با فساد خان ، اداری را رسماً و علناً اعلان نمایند . به گونهء تاکید گفت وقت کم است عجله کو که اگر شود اولین نشریه ، جریده ما باشد که فیر این اقدام جسورانه و تاریخی را به اطلاع هموطنان ما برساند برو ، برو همین که گپ فلاص شد یکه راست دفتر خود را می رسانی برو زود باش . من بیچاره هم چارهء نداشتم برگشتم و هی میدان طی میدان خود را رساندم به مطبوعاتی میدان و یک جای مناسب مال خود را یافتم قلم ، کتابچه و کمره و تیپ ضبط صدا را آماده ساختم و سوالاتی که چندین سال که فساد سرما حکومت می کند در ذهنم تراکم کرده بود را در کتابچه ام نوشتم تا در موقع سوال کردن آنها را فراموش نکنم که در همین لمظه دروازه کنار ستیژ باز شد و سه نفر که هر کدام شان برابر یک دیگر وارد میدان مطبوعاتی شدند . ودر جاهای شان روی ستیژ کنار هم نشستند و انانسر چنین شروع به گپ پرانی هایش نمود :

فیر کنار های مظلوم و بیقرار نشستن تانرا در مقابل آقایان ، گور کن فساد زاده ، کفن کش فساد پور و نفس گیر فساد یار ، بسیار فوش آمدید می گویم . اینه به همت و جسارت بی مانند و بی مثل این آقایان زدن و کندن با

فساد خان گرامی (رسماً و علناً) آغاز می شود. مالا مایک در اختیار آقایان محترم قرار دارد تا ارشادت شان به

گوش های شما پوف نمایند. از بین سه نفر یکی ایستاده شد و خود را چنین معرفی نمود:

او بی خبرها من گور کن هستم و فساد زاده تخلص می کنم بسیار خوش هستم که در گوشهای شما بی خبرها
گپ های ما را پوف می کنیم و شما هم با استفاده از فلای آزادی آنرا مثل پوقانه ها، تن به تقدیر گفته بسوی
هوا (ها) می کنید. فوب از مقدمه که بگذریم می فواهم به اطلاع شما برسانیم که جنگ ما زد و کندن ما سراز
امروز با فساد پیشه های سطح پائین حکومت (رسماً) اعلان است. مالا من نوبت پوف کاری گپ ها را می سپارم
به آقای کفن کش فساد پور، تشکر.

آقای کفن کش فسادپور، بدون مقدمه چنین آغاز کرد:

من به ادامه پوفهای گرم دوست نهایت عزیزم آقای گورکن، می فواهم به شما توضیح نمایم که چپه گرمک دو
رقم است یکی از پائین به بالا و دیگر از بالا به پائین مقصد اینکه چپه گرمک کنونی که به آن اقدام نموده ایم از
پائین به بالا است فاطر جمع باشید و به نسبت کار و بار های عمیق و غریب که ما داریم باعث مزاحمت برای
مان نمی شویم مالا نوبت آقای نفس گیر فساد یار، است تا به شما چیز های را پوف کند که در زندگی نام فساد
را نگیرید. تشکر

آقای نفس گیر فسادیار، با نگاه های دلکش و نفس جو اش همه را از نظر گزراند و به پوفش چنین ادامه داد:
شما فوب می فهمید که فساد خان کل دستگاه را در اختیارش دارد و ماکم است ما بعد از تقریباً سه هزار دوصد و
هشتاد پنج روز چرت زدن به این نتیجه رسیدیم که فساد در دستگاه ما دو طبقه است 1- طبقه پائین 2- طبقه
بالا، اگر این طبقه پائین همینطور همراه و همنوای فساد خان باشند من فکر می کنم که بعد از گذشت اندکی
زمان طبقه پائین هم سطح طبقه بالا می شود و بناً طبقه پائین دیگر خود به خود جایش فالی می شود بفاطر
جلوگیری از فلای طبقه پائین از همین مالا اعلام میداریم که از چپراستی، تمویلدار، متمد، گرفته تا مامور رتبه
شش که در بست شش کار می کند اگر دست به فساد می زند دستگیر و مجازات شود و متباقی معاف در معاف

از مجازات شمرده می شوند می توانند بصورت آزادانه به فساد پیشگی خود کمافی السابق ادامه دهند پیشم بد
گور . کار ما فتم است بروید فدا یار تان .

به این ترتیب من اولین خبرنگاری بودم که راپور تاژ ام را زیر عنوان (فساد در کشور ماسر و آفر ندارد) را نشر کردم
و مدیر ما بعد از نشر آن زمانی متوجه شد که یکی از دوستان با سوادش برای گفته بود که امتیاط کو بی درک
ضد دموکراسی حرکت می کنی . فردای آن من هم در جمع فساد پیشه ها کارم را از دست دادم .

9 می 2010

admin@vatandar.at

مدیر مسوول : دیپلوم انجنیر عمر محسن زاده

صاحب امتیاز : انجنیر نجیب یوسفی

کلیه ی حقوق بر اساس قوانین کپی رایت محفوظ و متعلق به «وطندار» می باشد